

پیام به:

دانشجویان و دانش آموزان در آستانه سال تحصیلی

کودتای ضد خلقی ۲۸ مرداد ۳۲ و سرکوب پلیسی ... پس از آن نخستین حرکت‌های جدی جنبش دانشجویی ایران را شیدا مورد تهدید قرار داد. رژیم دست‌به‌ترمیم و احمیای حاکمیت خود که در جریان جنبش ملی کردن نفت به مخاطره افتاده بود زد و بویژه در سالهای ۳۶-۳۲ با یورش ضد انقلابی به کلیه احزاب و سازمانهای مخالف و اتحادیه‌های کارگری و همچنین حمله به دژهای مقاومت نظیر دانشگاه‌ها در جهت تثبیت سلطه سرمایه‌داری گام برداشت. اما از سوی دیگر علیه دیکتاتوری شاه و حاکمیت امپریالیسم مبارزه‌ای صورت میگرفت که دانشگاه نیز در مقابله با سرکوب افزایش یافته در این مبارزه سهیم بوده و مقاومت سازنده‌ای را سازمان داد. هر چند در این سالها مبارزه‌ی کارگران و زحمتکشان و همچنین جنبش دانشجویی به علت ضربات ناشی از کودتا، خیانت و ورشکستگی سیاسی سازمانی دارو دسته‌ی خائن کمیت‌های مرکزی حزب توده، و سیاست تسلیم طلبانه‌ی جبهه‌ی ملی و شرکاء دچار ضعف و بی‌برنامگی و ناتوانایی‌های ناشی از سازمان نیافتگی و شکست بود اما بهر رو هسته‌های مقاومت در همه‌جا شکل میگرفت.

همراه با تشدید بحران اقتصادی - سیاسی و ضعف حاکمیت رژیم در سالهای ۴۲-۳۹ جنبش دانشجویی نیز همزمان و همراه با اوجگیری جنبش کارگران و زحمتکشان نقش مهمی در مبارزات آنها ایفا کرد. اما اینبار به علت دنباله‌روی نیروهای سوسیالیستی از بورژوازی سازشکار جنبش دانشجویی نتوانست گامهای موفق‌تری در جهت اعتلا جنبش عمومی مردم بر دارد.

پس از اصلاحات ارضی و استقرار نهایی مناسبات سرمایه‌داری در ایران، صف‌بندی طبقاتی جامعه و محتوای و شکل جنبش دانشجویی نیز دگرگون شد. در سالهای دیکتاتوری شاه، دانشگاه سنگر مقاومت و مبارزه و پرچمدار دموکراسی بود. اهتمامات و تظاهرات دانشجویی حتی در مراحل پیشتیبانی توده‌های زحمتکش را بدست آورد. جنبش دانشجویی توانست با طرح شعارهای مردمی با خواسته‌های مردم زحمتکش پیوند برقرار کند (نظیر شرکت در اعتراض همگانی علیه کرانی بلیط اتوبوسهای شرکت واحد در سال ۴۸). اما از سالهای ۴۹ بی‌بعد و با اوجگیری مبارزه مسلحانه و منزوی شدن نیروهای سازشکار و فرصت طلب جنبش دانشجویی نیز

گامی سازنده بجلو برداشت و کیفیت، شکل و محتوای مبارزه خود را ارتقاء داده و دامنه‌ی مبارزات خود را از محدوده‌ی دانشگاه‌ها خارج کرده و تظاهرات موضعی خیابانی را سازمان داد.

در طول سالهای ۵۷ - ۵۵ دانشگاه به یکی از مهمترین سنگرهای مبارزه علیه رژیم پلیسی - نظامی شاه خائن تبدیل شد. همزمان با اعتلای جنبش دانشجویی در ایران، جنبش دانشجویان ایرانی خارج از کشور نیز گام مهمی در افشای رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و حمایت همه‌جانبه از نیروهای مترقی و مبارز برداشت. در سال ۵۶ نخستین جلوه‌های اعتراض و خشم توده‌های نمودار گردید. دانشجویان

پیشگامان این مبارزه‌ی خونین بودند. زحمتکشان برای نخستین بار همراه با دانشجویان به تکرار شعار "زحمتکشان بدانید شاه شما خائن است" پرداختند. در جریان قیام بهمن ماه دانشگاه بیکی از پایگاه‌های مبارز مردم تبدیل شد. راهپای توده‌های مردم به دانشگاه پیوند انقلابی دانشجویان مترقی و مردم را افزایش داد. شعار "دانشگاه سنگر آزادگان" بازتاب برداشت و خواست مردم از دانشجویان و دانشگاه بود. خاطره‌ی بازگشایی دانشگاه توسط مردم مبارز ما و تجمع هر روزه‌ی آنها در دانشگاه و شرکت زحمتکشان و کارگران در بحثهای جمعی جاودانی است.

اما در جریان قیام، نیروی تازه نفس دیگری نیز پا برصه‌ی مبارزه گذاشت. نیروی میلیونی که در کوره گداخته‌ی مبارزات خلق زحمتکش ما شکفته شد و به گل نشست و با طراوت و تازگی خود شکل اعتراضات توده‌ای را دگرگون ساخت. جنبش دانش‌آموزی از مهر ماه ۵۷ اولین حرکات نوین خود را آغاز کرد. مدارس خود بگانون گرم مبارزه تبدیل شدند. کیفیت جنبش دانش‌آموزی قدم بقدم در راستای تلاش خود در پیوند با خواستهای زحمتکشان ارتقاء می‌یافت تا بدانجا که توانست مقام خود را در پهنه‌ی جنبش توده‌ای تثبیت کند. اکنون دیگر همه‌ی نیروهای انقلابی بر جنبش دانش‌آموزی تکیه میکردند. هر اس‌رژیم شاه نیز از جنبش دانش‌آموزی در ایجاد فاجعه‌ی سیزده آبان انعکاس یافت. از آنجا که هر اقدام رژیم شاه در جریان قیام بعکس خود تبدیل میشد، سسته شدن مدارس اینبار دانش‌آموزان را همراه با توده‌های مردم به خیابانها کشاند و نشان داد که این

نیروی رها شده حتی میتواند خود را در کوچه پس‌کوچه‌های شهر، بهنگام چسباندن اعلامیه و شب‌نامه‌ها، بهنگام درست کردن کوکتل مولوتف، بهنگام مقاومت در مقابل یسوزش ناشیستی نظامیان شاه، و بهنگام فتح پادگانها سازمان دهد. قیام، رزمندگی دانش‌آموزان را بمحک آزمایش گذاشت و حقا که آنان چه سرافراز از این تجربه بیرون آمدند.

پس از قیام ائتلاف نامقدس و شکننده‌ی بورژوازی ناتوان و خرده‌بورژوازی سنتی بازسازی و ترمیم نظام سرمایه‌داری و ادامه‌ی ستم طبقاتی را هدف‌گیری کرد. حاکمیت جدید بخوبی میدانست که برای تحقق اهداف خود باید بر جنبش‌های انقلابی توده‌ها مهار زند. پس بی‌درنگ به عوام‌فریبی و سرکوب تواما دست یازید.

جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی نیز همانند بخشهای دیگر جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران از همان واپسین روزهای بعد از قیام مورد تهاجم هیات‌حاکم‌های ارتجاعی ایران قرار گرفت. یسوز خاطره‌ی جاودانه‌ی شهدای ۱۳ آبان در اذهان مردم زنده بود که هیات‌حاکم تعرض بر دامنه‌ی خویش را به دانشگاه‌ها و مدارس آغاز کرد. امکانات فعالیت سیاسی و تجمیع سیاسی محدود گردید و زمزمه‌ی انحلال شوراهای دانشگاهیان آغازید گرفت. اما خصوصیات ویژه‌ی روزهای بعد از قیام که عمده‌ترین آن ضعف دولت موقت و آزادیهای به دست آمده پس از قیام بود به رژیم اجازه نمیداد که حملاتش را نسبت به دانشگاه و مدارس آشکارا سازمان دهد، و حتی در ابتدا منکر وجود حملات چماقداران حزب‌اللهی به تجمعات سیاسی در دانشگاه‌ها میشد و از چگونگی تشکّل یافتن این دستجات اظهار بی‌اطلاعی مینمود! و آنچه که نیز بعنوان ممنوعیت فعالیت سیاسی در مدارس از زبان مسئولین دولتی گفته میشد نه جزء برنامه‌ی رژیم بلکه جزء اشتباهات مشخص آنان قلمداد میگردد.

اما حرکات بعدی رژیم نشان داد که براه انداختن دستجات چماقداران حزب‌اللهی که رژیم ظاهرا از سر نخ آنان مطلع نبود و شکوه‌ی مسئولین وزارت آموزش و پرورش در مورد تداخل برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های سیاسی!! نه راه و روش‌های اتخاذ شده از جانب این یا آن فرد مسئول هیات‌حاکم و یا حتی جناح‌های مختلف آن بلکه سیاست واقعی رژیم در مورد جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی است. رژیم حاکم که خود بعنوان شمره‌ی ائتلاف نامقدس بورژوازی و خرده‌بورژوازی بقدرت خزیده بود میدانست که تنها راه ادامه‌ی حیاتش سرکوبی تمامی آن بخش‌هایی از

توضیح

از آنجا که مقاله "سیر مشروعه طلبی در ایران" بیش از آنچه که پیش بینی میشد، طولانی‌خواهد بود، هیئت تحریریه تصمیم گرفت به چاپ بخش‌های دیگر این مقاله در رهاش ادامه ندهد و مجموعه آنرا در آینده نزدیک بصورت کتاب منتشر نماید.

جنبش است که خواستشان محدود به تغییر موری رژیم از سلطنت استبدادی به جمهوری اسلامی نیست. رژیم میدانست که نه تنها باید زمینه‌سازی سرکوب جنبش‌های مردم‌سی و از جمله جنبش کارگری بپردازد، بلکه باید آنچه برای او در لحظه خطر محسوب میشود را در نطفه خفه نماید. یکی از مهمترین خطرات بالفعل، جنبش پرتوان دانشجویی و دانش‌آموزی بود.

نقش مهم دانشجویان در سالهای ترور و خفقان و علی‌الخصوص نقش ویژه‌ی دانشگاهیان، معلمان و دانش‌آموزان در تداوم و تعمیق بخشیدن جنبش توده‌ای اخیر به رژیم جمهوری اسلامی آموخته بود که باید این بخش فعال و پرشور جنبش مردم را آماج شدیدترین حملات ممکنه قرار دهد. حملات مکرر او با شان به تجمعات سیاسی در دانشگاه‌ها، تهاجم‌های دهم‌نشان‌های آنان بدفا تر سازمانها و گروه‌ها در دانشگاه‌ها و مدارس و علم کردن انجمنها و گروه‌های فرمایشی در دانشگاه‌ها و مدارس، اخراج و تصفیه‌ی دانشجوین، استادان معلمین و دانش‌آموزان مترقی از مراکز علمی و بالاخره انقلاب پر شکوه!! فرهنگی حلقه‌های بهم پیوسته‌ی سیاست رزم در مورد دانشگاه‌ها و مدارس بوده است.

هر چند جناح‌های مختلف حاکم، هر یک بفرار خسوس موقعیت خاص اجتماعی و مناقعی که این موقعیت اجتماعی آنرا الزام آور مینماید شیوه‌ها و عملکردهای خاصی را در سرکوب جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی پیشنهاد مینمودند ولی عملا و در هنگام مقابله‌ی رو در روئی با جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی سیاست واحدی را اتخاذ مینمودند. سیاسی که محور اساسی آن سرکوب تمامی دست‌آوردهای قیام بود. خرده بورژوازی حاکم نه تنها با آزادیهای دمکراتیک عناد میورزید و در این راستا وجود دانشگاه‌ها و مدارس را که در آن آزادی نسبی فعالیت سیاسی وجود داشت مانعی برای ایجاد یک دیکتاتوری فاشیستی و مذهبی میدانست بلکه اساساً با علم و تکنولوژی و هر آنچه که راه ترقی و تکامل را هموار مینمود خصوصت میورزید. آخوندیسم که حاکمیتش در گرو جهل توده‌ها است نمیتوانست و نمیتواند وجود مراکز را تحمل نماید که در آنجا علیرغم تمام کاستیهای سیستم آموزشی - علم و اندیشه در جریان است. و از اینرو با تمام قوا بر آن بوده و هست که با نابود کردن و محدود نمودن اینگونه مراکز راه را برای ادامه‌ی حکومت چهار خویش استوار سازد. بورژوازی، متحد دیگر هیات‌حاکم نیز علیرغم آنکه بوجود چنین مراکز برای تربیت تکنسین و کادری علمی و به خدمت گرفتن آنان در بازسازی نظام تولیدی سرمایه‌داری احتیاج مبرم دارد ولی وجود "مزاحمین چپ" در دانشگاه‌ها و مدارس بقدری برای او دردناک است که حتی به ضرر منافع مرحله‌ای خود به آن تن در میدهد، و رئیس جمهور محبوبش را در رأس سپاه جهل و تاریکی بمیدان اعزام میدارد و با عبور از روی جنازه‌های شهیدان شهریورماه بالاخره به "پیروزی" دست می‌یابد و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را به تعطیل میکشاند.

رژیم هنوز از براه انداختن مضحک‌ه‌ی "انقلاب فرهنگی" و اعدام و کشتارهای دسته‌جمعی دانشجویان انقلابی فارغ نشده بود که به زمره‌های گذشته‌اش پیرامون ممنوعیت فعالیت سیاسی در مدارس جنبه‌ی قانونی بخشید. نه تنها رسماً فعالیت سیاسی دانش‌آموزان و معلمان را در مدارس ممنوع اعلام کرد بلکه با برقراری سیستم تفتیش عقاید و حتی اخیراً اعلام تفتیش بدنی در مدخل مدارس نشان داد که تا چه حد از امکان نفع یابی مجدد جنبش دانش‌آموزی وحشت دارد و آماده است که با دست زدن به عقب مانده‌ترین شیوه‌های ممکن از بسط و گسترش جنبش دانش‌آموزی جلوگیری کند.

در حقیقت ادامه‌ی شدت یافتن بحران سیاسی و اقتصادی حاکم که جنبه‌های مختلف آن با شدت یابی تضادهای درونی هیات حاکمه و آشکارتر شدن ناتوانی هیات حاکمه در حل ابتدائی ترین مسائل اجتماعی و رشد روزافزون ناراضگی عمومی است، رژیم درمانده و مستأمل جمهوری اسلامی ایران را وادیار کرده است که نسبت بهر آنچه به گونه‌ای سیادتش را مورد تعرض قرار میدهد به ددمنشانه‌ترین روشهای ممکن رفتار کند و در این راه از هیچ چیز هراسی بدل راه نخواهد داد. و چه بسا که بدنبال بسته شدن دانشگاهها، بسا آغاز سال تحصیلی جدید رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مدارس را نیز صحنه‌ی ترکتازی "انقلابیون" بی فرهنگش بکند. اما بدون شک همچنانکه با بسته شدن دانشگاهها، جنبش دانشجویی از پای نایستاد، جنبش دانش‌آموزی نیز در صورت واقعیت یافتن تهدیدهای هیات حاکمه مبنی بر تعطیل مدارس بدلیل فعالیت سیاسی دانش‌آموزان، همچنان به فعالیت خویش ادامه خواهد داد.

اکنون در شرایط پیچیده‌ی جامعه، جنبش دانشجویی - دانش‌آموزی با مسائل و وظایف گوناگونی روبرو است. از یکسو وجود جو اختناق در سراسر کشور، مبارزه علیه کوش رژیم را در استقرار دیکتاتوری در قالب ولایت فقیهه - بمشابهی یکی از وظایف میرم دانشجویی - دانش‌آموزی بعنوان یک جنبش دموکراتیک مطرح میسازد و از سوی دیگر و با آگاهی بر این امر که دموکراتیسم پیگیر جدا از جنبش سوسیالیستی چیزی جز برهوت سرگشتگی و دنباله‌روی نخواهد بود، پیوند میان جنبش دانشجویی - دانش‌آموزی با جنبش سوسیالیستی، پیوند میان مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی با مبارزه ضد سرمایه‌داری کارگران و

زحمتکشان اصلی ترین وظیفه‌ی جنبش دانشجویی در مرحله‌ی کنونی جنبش کمونیستی است. اما جنبش دانش‌آموزی و دانشجویی برای سازماندهی این دو نوع مبارزه‌ی خود نیاز به فراهم آوردن اجزای ویژه‌ی دارد. تجربه‌ی بیش از یکسال جنبش دانش‌آموزی - دانشجویی نشان میدهد که این دو جنبش (که در عین حال در پیوند نزدیکی با یکدیگر نیز قرار دارند) چه در سطح کلی و دموکراتیک و چه در رابطه با نیروهای سیاسی دچار ضعفهای عمده‌ای است که عموماً ناشی از سکتاریسم حاکم بر جنبش چپ و کیفیت رابطه‌ی نیروهای گوناگون دانشجویی با سازمانهای مادر است. عبارت بهتر پراکندگی نیروهای دانشجویی - دانش‌آموزی، دنباله‌روی تمکین آمیز بعضی از گروههای دانشجویی - دانش‌آموزی از سازمانهای مادر، و فقدان هر نوع برنامه‌ی مشخص حداقل برای اتحاد عمل نیروهای چپ در مدارس و دانشگاهها و درعکس که گاه بروز اشتقاقهای مطحنت‌گرایانه و موقتی همراه با تشدید شرایط خفقان، جنبش دانشجویی - دانش‌آموزی را به تحلیل خواهد برد. بنابراین گام اول برای از بین بردن ضعفهای یاد شده طرح مسأله‌ی اتحاد عمل در مرحله‌ی مبارزه‌ی کنونی است که میتواند حول محور بازگشایی دانشگاهها و آزادی فعالیت سیاسی در مدارس صورت گیرد.

بار دیگر تاکید میکنیم که در مرحله‌ی کنونی مبارزه، اتحاد نیروهای انقلابی حول برنامه و اهداف مشخص باید بدور از هر نوع انحصارطلبی گروه مداران و دنباله‌روی توجیه‌گرایانه صورت گیرد، تا بتواند گامی در راه ایجاد صف مستقل چپ و حل مسأله‌ی وحدت در جنبش دانشجویی - دانش‌آموزی و جنبش سوسیالیستی باشد. البته این نکته را نیز نباید فراموش کرد که جنبش دانشجویی - دانش‌آموزی نمیتواند و نباید بنحوی کاملاً مستقل و صرفاً دموکراتیک سازمان یابد ولی به علت شرایط ویژه‌ی کشور ما در حال حاضر میتواند و باید در پیش بردن مبارزه‌ی ایدئولوژیکی، جنبش سوسیالیستی را یاری دهد.

بدون شک جنبش دانشجویی - دانش‌آموزی برای جلوگیری از بسط قدرت نیروهای سرکوبگر و دفاع از حقوق دموکراتیک و سازماندهی پیکار بی امان در جهت حفظ دستاوردهای قیام باید در وهله‌ی اول مسأله‌ی برنامه‌ی مشخص را طرح و در راه دستیابی بآن سمت‌گیری کند. لازم به تذکر است که اساساً مسأله‌ی اتحاد عمل باید بین آن نیروهای سیاسی مترقی‌سی جامعه طرح و به مرحله‌ی اجرا در آید که حداقل علیه حاکمیت موضعگیری قاطع و یکسان کرده باشند. پس اتحاد عمل بسا نیروهایی نظیر فدائیان (اکثریت) و مجاهدین که موضع قاطع ندارند در صورتی میسر است که نیروهای قاطع قبلاً متحد شده و برنامه‌ی مشخص و مشترک برای این نوع همکساری طرح کرده باشند.

جنبش دانشجویی - دانش‌آموزی میتواند و باید اهداف زیر را در مرحله‌ی کنونی دنبال و نقش فزاینده‌تری در مبارزه‌ی کارگران و زحمتکشان ایفا کند:

۱- سازماندهی مبارزه علیه بسته شدن دانشگاهها از راه

تصحیح

- ۱- درهائی شماره ۴۵ که در ۱۱ شهریور ۱۳۵۹ منتشر گردید اشتباهاً "تاریخ ۱۱ تیر بعنوان تاریخ انتشار ذکر شده بود.
- ۲- در همین شماره در صفحه "پاسخ به چند سؤال" در نقل قول از کتاب (نقد بر مبارزه طبقه در شوروی) بجای کلمه "ندارند"، "دارند" صحیح است.

- اعتراضات جمعی، به اعتماد کشاندن مدارس، تحصن، تماس با استادان و معلمان مترقی در جهت همسو کردن مبارزات صنفی - دموکراتیک آنها با خود و تبلیغ هدف خائنانه رژیم در عدم بازگشایی مراکز آموزش عالی و حرفه‌های برای اقشار زحمتکشان و کارگران .
- ۲- سازماندهی مبارزات علیه تفتیش عقاید در مدارس و کسب آزادی فعالیت سیاسی از راه همکاری عملی با هیوادادار نیروهای مترقی و انقلابی، تلاش در راه ایجاد شوراهای واقعی و بدست گرفتن اداره امور مدارس از سوی شوراهای - "مدارس باید توسط شورا ها اداره گردد." - افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی در بین سایر دانش آموزان .
- ۳- مبارزه یی گمیر و فزاینده در جهت دفاع و شرکت در جنبشهای انقلابی خلق .
- ۴- شرکت هر چه گسترده تر در مبارزه یی ضد استثمار کارگران و زحمتکشان .
- ۵- رزم گسترده علیه دیکتاتوری و مبارزه برای آزادی فعلی لیت احزاب ، سازمانهای انقلابی و مترقی، و مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک .
- ۶- طرد و منزوی کردن نیروهای ضد خلقی و سازشکار .
- ۷- دامن زدن و پیش بردن انقلابی مبارزه یی ایدئولوژیک بر مبنای درک ضرورت شناخت نویین جامعه و جایگاه اجتماعی و وحدت در جنبش سوسیالیستی و ایجاد دانشگاههای مبارزه یی ایدئولوژیک به دور از هر نوع انحصارطلبی گسروه

مدارانه و بدور از جایگزین کردن تمایزات سازمانی بجای تمایزات ایدئولوژیک .

دانشجویان انقلابی و مترقی باید بدانند که آموزش مارکسیسم و مبارزه یی ایدئولوژیک از مجاری بوروکراتیک صرفاً سازمانی بشمر نمیرسد . سازمان دادن نیروها هر چند مبرم است اما بت پرستی سازمانی چیزی جز تداوم دکماتیسم و انحراف به بار نخواهد آورد .

★ ★ ★ رفقای دانشجو و دانش آموزان! آموزش هوادار!

در آستانه یی سال تحصیلی جدید شما رفقا نیز وظایف شخصی را در مقابل خود دارید . با در نظر گرفتن رهنمودهای سازمان ، فعالیت خود را بویژه با شرکت در سازماندهی مبارزات علیه جو آختناق گسترده تر کنید . دانشجویان هوادار! علاوه بر مبارزه برای بازگشایی دانشگاهها به فعالیت خود در سطوح مختلف از جنبه بر پا کردن بساط در مناطق جنوبی شهر، بر راه انداختن بحث در معابر عمومی، و کار در کارخانه ها بمنظور پیوند عمیق تر با کارگران و زحمتکشان بیفزائید . دانش آموزان هوادار سازمان نیز با تلفیق کار علنی و مخفی باید از یکسو به تبلیغ لزوم اتحاد عمل در مدارس بین نیروهای انقلابی و فراهم آوردن رمینه یی کار مشترک با نیروهایی که علیه حاکمیت موضع گرفته اند بپردازید و از سوی دیگر با تبلیغ مواضع سازمانی از راه پخش علنی - مخفی رهایی و ۱۱ اردیبهشت و اعلامیه ها و فروش کتابهای سازمان در مدارس و منطقه یی محل سکونت و همچنین تلاش در راه انتشار نشریه یی ویژه یی مدرسه با همکاری نیروهای سیاسی دیگر و یا انتشار نشریه یی محلی بویژه در مناطق جنوبی شهر و گسترش و ایجاد هسته های هوادار سازمان دست زنند .

رفقا با ابتکار عمل در زمینه های یاد شده و گسترش تشکیلاتی خود فعالانه در مبارزات دموکراتیک و اعتسالی جنبش سوسیالیستی شرکت کنیم .

- ★ برافراشته تر با دیرچم سرخ مبارزات دانشجویی، دانش آموزی ★
- ★ پیش بسوی پیوند دادن جنبش دموکراتیک و سوسیالیستی ★
- ★ برگ بر امپریالیسم و سرمایه داری ★

سازمان وحدت کمونیستی